

گزارشگر فرصت طلب و کارگر ناامید در شهر دیوانه

سینا مطلبی

داستین هافمن
بازیگر نامدار سینما
در آخرین فیلم
کنستانتین کوستا گاوراس
با جان تراولتا
همبازی شده بود.
«شهر دیوانه» همچون آثار دیگر
کوستا گاوراس
مضمونی اجتماعی سیاسی دارد
و به نقش مؤثر رسانه‌ها
در جهان امروز می‌پردازد.
هافمن ایفاگر نقش یک گزارشگر
تلویزیونی جنجالی
اما مغضوب است
که می‌خواهد زندگی حرفه‌ای خود را
روتقی دوباره بخشد.
«شهر دیوانه» با نگاهی
به اثر کلاسیک بیلی وایلدر
«تکخال در حفرة»
(با بازی کرک داگلاس)
ساخته شده است.
نشریه فیکارو
به بهانه نمایش
«شهر دیوانه»
در سینماهای فرانسه
علاوه بر نقد فیلم
گفت‌وگویی نیز با بازیگر آن
انجام داده که
به تأثیر رسانه‌ها
و اخلاق اجتماعی می‌پردازد.



مطالعات
انسانی و
علوم انسانی



گفت‌وگو با داستان‌ها



از بیست سال
گذشته تاکنون
جذابیت
در حرفه خبرنگاری
و یا در عرصه
سینما کم شده است
برنامه سازان
تلویزیون می گویند
مردم
برنامه های بی ارزش
می خواهند!

تنها نگران

دو فرزند کوچکترم هستم
(۹ و ۱۳ ساله) که در خلوت خود
در خانه به سیگار روی آورند
بعضی اوقات می بینم
آنها بخشندگی و زیورکتر از ما
هستند
من می توانم یا آنها درباره هر
موضوعی
بحث کنم، چیزی که در کودکی ما
غیر ممکن بود

فیگارو: آیا «شهر
دیوانه» ادعای علبه
رسانه هاست؟
هافمن: به نظر من، ما همگی در
تله افتاده ایم. این فیلم ادعای علبه
همه ماست. مرا بسخشد، اما اجازه
بدهد به شما بگویم که استاندال (رمان
نویس فرانسوی) نوشته را با آرشه و
ویلن را با روح خواننده مقایسه
می کرد. در جامعه ما رسانه ها نقش
آرشه را بازی می کنند و روح جامعه
همان ویلن است. چون هر دو در اشتباه
هستند نمی توان کسی را متهم به
جنایت کرد.

فیگارو: نظرتان راجع
به تسلیویون امروزی
چیست؟
هافمن: من این وسیله را عامل

ساخته اید یا خیر از شما می پرسیدند.
فیلمتان چقدر تماشایی داشته است؟
اما اکنون فقط می پرسند: فیلمتان چقدر
فروش داشته است؟

فیگارو: چه طور هنوز
به این حرفه عشق
می ورزید؟

هافمن: کار می کنم. کار یکی از
راه های شناخته شدن و پذیرفته شدن
در اجتماع است. به طور مثال اگر شما
یک کفاش، هنرپیشه و یا عکاس باشید
در هر حال هر روز برخوردی را با
خودتان خواهید داشت. کار و حرفه شما
چون آینه ای است که پیشرفت و
تنزلتان را نشان می دهد. من کارم را
عاشقانه دوست دارم. زمانی که بازی
می کنم، حس می کنم در جایگاه
انسانیت قرار دارم.

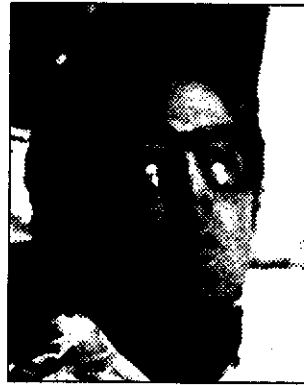
فیگارو: به نظر شما
رسانه های امروزی نسبت
به گذشته چه تفاوتی
دارند؟

هافمن: جواب دادن به این سوال
مشکل است. آنچه می دانم، این است
که از بیست سال گذشته تاکنون
جذابیت در حرفه خبرنگاری و یا در
عرصه سینما کم شده است. امروز، آنچه
که مورد توجه قرار گرفته است
جلب نظر مردم است. آنهایی که
برنامه سازی تلویزیون را انجام
می دهند به این نتیجه رسیده اند که
مردم خواهان برنامه های بی ارزش
هستند. پس چنین برنامه هایی را نیز
تعمیر آنها می دهند.

در سینما هم وضع به همین منوال
است. فقط پول را می بینند. سابقاً اگر
می خواستند بدانند که آیا فیلم خوبی

گفت و گو
با
داستین هافمن

تکویزون
دائماً به ما
خوراک سطحی
می‌رساند
نه عکس‌العملی
انجام می‌دهد
و نه تلاش
روشنفکرانه‌ای
پس به موزه
برویم و آثار هنری
را بنگریم



داستین هافمن
ما همه به تکه افتاده‌ایم
و فیلم ادعاینامه‌ای
علیه همه ماست. استاندال
نوشته را با آرشه و ویلن را
با روح خواننده مایسه می‌کرد
در جامعه ما نیز رسانه‌ها
نقش آرشه را بازی می‌کنند
و روح جامعه همان ویلن
است

فیگارو: آیا در مورد گرفتاریهایی که به‌مصرف مواد مخدر موجب می‌شود با آنها به تفاهم می‌رسید؟

هافمن: البته. من با داشتن شش فرزند طبیعی است که با آنها در این مورد صحبت کنم. اما من به محل امن زندگی آنها اطمینان کامل دارم زیرا شرایط زندگی‌شان خوب است. اما سایر پسران و دختران جوان حومه شهر از چنین موقعیتی برخوردار نیستند. برای تعدادی از آنها مواد مخدر تنها راه فرار از این جنگل بترنی است... این مواد تصور واهی برای داشتن موقعیتی همانند موقعیت من که همیشه از آن بهره می‌برم، به آنها می‌دهد...

مترجم: علی شیخان
 مأخذ: FIGARO 7 fevrier 1998

هافمن: دوتا از دخترهایم ازدواج کرده‌اند. دو تای دیگر ۹ و ۱۴ ساله هستند. من تنها نگران این موضوع هستم که در خلوت خود در خانه به سیگار روی بیاورند... در بقیه موارد من به همراه همسرم، که مادری فوق‌العاده است کارمان را به بهترین نحو انجام می‌دهیم. می‌دانید چه چیزی بیشتر از همه ما را به تعجب وادار می‌دارد؟ هوش فرزندانمان. بعضی اوقات که می‌بینم آنها بخشنده‌تر و زیرک‌تر از ما هستند به خود می‌بالم. چیزی که برای من خوشایند است این است که می‌توانم راجع به هر موضوعی با آنها بحث کنم چیزی که در زمان کودکی من غیرممکن بود. در این بحثها به اشتباه خود نیز پی می‌برم. و به اشتباه خود اعتراف می‌کنم. این برای من مهم است.

همه مشکلاتی می‌دانم که ما امروزه برای حفظ حیثیت و آپروی خود در پیش رو داریم. او دائماً به ما خوراک می‌رساند اما خوراکی سطحی. نه عکس‌العملی انجام می‌دهد و نه تلاش روشنفکرانه‌ای. پس خارج شویم، به موزه‌ها برویم و آثار هنری را بنگریم. بهتر است از هنری که در دستان خود داریم استفاده کنیم تا آنکه با تفریحات خارج از محدوده مورد تمسخر و بازیچه قرار بگیریم.

فیگارو: شما شش فرزند دارید که چهارتایشان دختر هستند. چطور آنها را بسزرگ می‌کنید؟ آیا از آنها حمایت می‌کنید یا بیشتر آزادشان می‌گذارید؟

کوستا گوراس

تلویزیون

را

گروگان

می گیرد

فیلم جدید و کاملاً آمریکایی
کوستا گوراس
پاسخ به آنانی است که
مشتاق بین‌المللی کردن
تولیدات فرانسوی از طریق
ستارگان آمریکایی
هستند

شهر دیوانه گوراس
از سوی رقابت خشن رسانه‌ها و
از سوی دیگر
دوستی گنایه آمیز خبرنگاری
بسیار باهوش را با یکی از
افراد حاشیه جامعه
نشان می‌دهد

نقد فیلم شهر دیوانه

در زمانی که بسیاری خواهان بین‌المللی کردن تولیدات فرانسوی از طریق ستارگان آمریکایی هستند، کوستا گوراس با فیلم جدید خود، «شهر دیوانه» که کاملاً آمریکایی است به این نیاز پاسخ می‌دهد. از سال‌ها پیش و در ادامه موفقیت جهانی فیلم «Z» او متناوباً در فیلم‌های فرانسوی و آمریکایی کار

می‌کند و با آثار خود حضور پهن‌المللی یافته و بالاترین جوایز اروپایی را نیز تصاحب کرده است؛ از جمله نخل طلائی کن برای فیلم «گمشده» و خرس طلایی برلین برای «جعبه موسیقی». این بار او دوباره از بزرگترین بازیگران کنونی یعنی داستین هافمن و جان تراولتا را در یک «تریپل» حادثه‌ای گردهم آورده که مثل همیشه بحث‌های اخلاقی و سیاسی زیادی را موجب شده است. داستان فیلم در موزه شهر کوچکی از

می‌یابد، او با یکی از افراد حاشیه‌ای جامعه، که به خاطر از دست دادن کارش به جنون کشیده شده است و راهی را برای بقای خود می‌جوید آشنا می‌شود. سایر شخصیت‌های فیلمنامه روزنامه نگارانی هستند که از نقشیه معروف «از واکو تا تگزاس» الهام گرفته شده‌اند. در آن حادثه دهها نفر کشته شدند.

بدون شک دیالوگ‌های فوق‌العاده بازیگران، یکی از عوامل پیشبرد داستان و تهییج کننده تماشاگر فیلم است. داستین هافمن به نقش خود جلوه‌ای از انسانیت و هوشمندی می‌دهد که همین عوامل او را از سی سال پیش یکی از بزرگترین بازیگران دنیا ساخته است. او توانایی خود را در اجرای هر نقشی نشان داده و تاکنون جوایز اسکار و موفقیت‌های بسیاری را کسب کرده است



از جمله در فیلم‌های پایون، کرامر علیه کرامر، توتسی، دین من و برای بازی در نقش یک ولگرد، گانگستر، همجنس‌باز، وکیل، ریاضیدان و خبرنگار. در مقابل او جان تراولتا در این فیلم در نقش فردی ظاهر می‌شود که علیرغم میل باطنی خود به یک جانی تبدیل شده و بیشتر کاریکاتوری و مکانیکی است.

کوستا گوراس بازیگری خاصی چنین هجویدهای را به تصویر می‌کشد و باید این فیلم را که در مورد یک برنامه خاص تلویزیونی است برای سینما مقتم بشماریم.

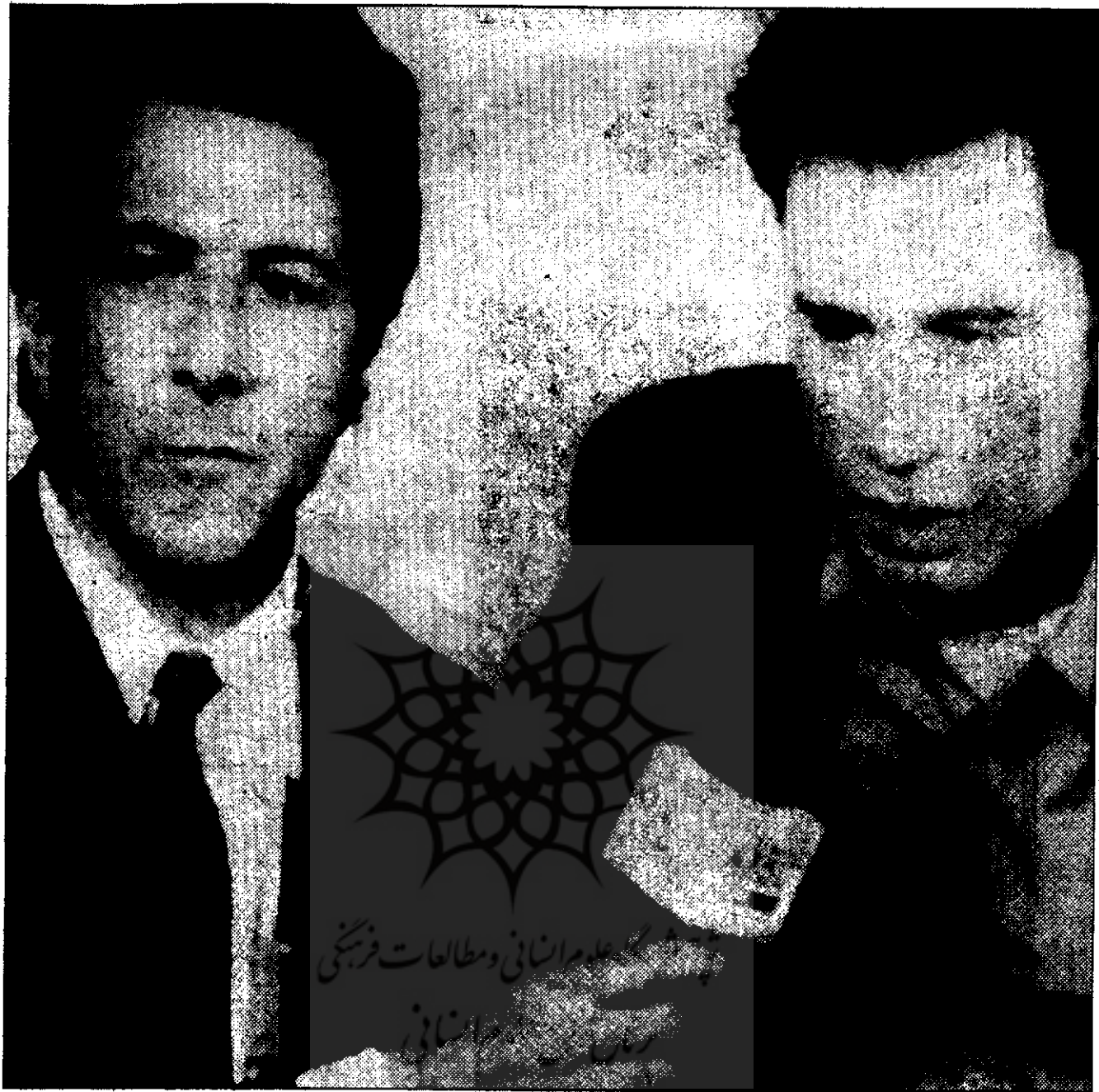
مترجم: علی شیخان

مأخذ:

FIGARO 7 fevrier 1998

ایالت کالیفرنیا می‌گذرد و برخورد یک گزارشگر فرصت طلب تلویزیونی با کارگر بیکار و ناامیدی است که علیرغم میل باطنی اش گروهی از دانش‌آموزان را به گروگان می‌گیرد.

تلویزیونهای سراسر کشور به سرعت این سانحه را پوشش می‌دهند و به وسیله گزارشگر، ناظر فعالی که خیلی سریع به سخنگو و دست‌اندرکار این گرفتاری مبدل شده است، به طور مستقیم این ماجرا را دنبال می‌کنند. این فیلم، از سرنوشت رقابت خشن رسانه‌ها را نشان می‌دهد که به خاطر یک خبر روز ریشه یکدیگر را می‌زنند، و از سوی دیگر دوستی گنایه‌آمیز یک خبرنگار بسیار باهوش است، که تاکنون با خبرهای کوچک محلی درگیر بوده و حال شخصی را برای جبران موقعیت‌های از دست رفته



داستین هافمن به اتفاق جان تراولتا در نقش‌های گزارشگر و کارگر، به شهر دیوانه ساخته کوستاکا وراس جان می‌بخشند

